هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ ۴۳ | چهارشنبه ۲۸ دلو ۱۳۸۳ | ۷ محرم الحرام ۱۴۲۶ - 16 February 2005

سرمقاله

۳ حوت خاطرهٔ به یاد ماندنی تاریخ وحماسهٔ ماندگار شهریان کابل

ص۲

سخنی در باب گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر

ص۵

پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت

دهم محرم الحرام

مدو جزرها و نشیب وفراز ها در تاریخ ادیان رهایی بخش الهی و اندیشه های انسانی، خود رهچراغ است وعامل نجات جامعه و مردم است از چنگال دیوبی راهگی ها، ستمگری ها و نا روایی های خود کامگان تاریخ.

بدون شک اصل اصلاح و فساد زدایی و سازندگی در زندگی جوامع انسانی اصلی است برخاسته از ژرفا های معرفت دینی که در بینش اسلامی و آموزه های نجات بخش آن ، از جایگاهی ویژه بر خوردار بوده و این فرمودهٔ پیامبر بزرگوار اسلام که: در هر صد سال مجددی می رسد که غبارهای انحراف را از چهرهٔ فراخوان ها و پیام های الهی می زداید ، بیانگر مدعای بالا ست.

رمز وراز قیام کربلا و فلسفهٔ وجودی آن حماسه یی تاریخی است که به تعبیر زنده یاد اقبال:

دشمنان چون ریگ صحرا لا تعد

دوســـــتان او به یزدان هم عدد

در همچو یک بینشی نهفته است. قیام شکوهمند حضرت سید الشهدا امام حسین رضی الله عنه این پوربتول و ناز پروردهٔ دامان دخت گرامی رسول صلی الله علیه وسلم در برابر دستگاه جورپیشهٔ یزید و یزیدیان زمزمه گر ترانهٔ قیام در برابر رهبری منحرف و مستبد و فساد گستر در همهٔ جوامع به ویژه در جوامع اسلامی بوده و همین امر خود رمز جاودانگی و ماندگاری پیام اسلام در درازای قرون و عصور است. ندای جودانه هیهات منا الذله (ذلت و خواری از ما دور است) از زبان سردارمعرکهٔ تاریخی کربلا، پیشوای آزادگان حسین رضی الله عنه درسی است برای همه آزاد مردان تاریخ در شجاعت . ایثار و فداکاری در راه آرمان و عزت و سر بلندی . منطق مشروعیت همچو قیام های اجتماعی را در چند ص۶

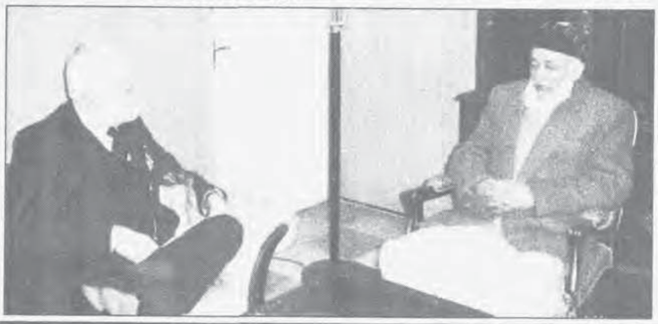
استاد ربانی در دیدار با فرانسس ویندرل:

پروسهٔ مصالحهٔ ملی باید به شکل ملی وهمگانی به پیش برده شود

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت روز۲۵ دلو فرانسس ویندرل نمایندهٔ جامعهٔ اروپا برای افغانستان را در اقامتگاه شان دیدار و ملاقات نمودند. طی این دیدار درمورد انتخابات پارلمانی ، روند خلع سلاح و آشتی ملی تبادل نظر صورت گرفت. در این ملاقات آقای ویندرل نظر استاد را درمورد برگزاری انتخابات پارلمانی جویا گردید. استاد ضمن ابراز نظر در مورد روند انتخابات بر ضرورت برگزاری آن در بهار سال آینده تأکید نمود. آقای ویندرل با تایید نظریات استاد به برخی از مشکلات تخنیکی درارگانهای مسؤول برگزاری انتخابات اشاره نمود.

استاد در مورد پروسهٔ خلع سلاح در کشور گفت: ما نه تنها در سطح جمعیت اسلامی بلکه به صورت عام در همه ساحات کشور از روند خلع سلاح حمایت کرده ایم.

استاد ربانی در مورد آشتی ملی و تامین ثبات در کشور گفتند: بایست پروسهٔ آشتی ملی و مصالحهٔ ملی به خاطر تامین ثبات در کشور به شکل ملی و همگانی به پیش برده شود نه فقط به شکل رسمی و دولتی و به وسیله ارگان های امنیتی و بدون در نظر داشت نظریات و خواست های مردم. اگر این پروسه توسط ارگانهای خاص و به شکل مخفی به پیش برده شود نتایج خوبی را درپی نخواهد داشت.



۳ حوت ۱۳۵۸

صدای مظلومانهٔ شهریان کابل

حرکت مردمی چنداول در تابستان ۱۳۵۸ قیام سوم حوت ۱۳۵۸ در شهر کابل و ۲۴ حوت ۱۳۵۹ در هرات از خونین ترین وقایع در نیمهٔ قرن بیست و در افغانستان است که مردم ما آن را به وجود آورده اند. در نتیجهٔ این حوادث، مبارزات مسلحانه و جبهه سازی در کشور شکل می گیرد که برآیند آن فرجام یک سیستم نیرومند اقتصادی، نظامی و ایدئولوژیک در دنیاست.

بر می گردیم به حادثهٔ سوم حوت ۱۳۵۸ که مردم، جوقه جوقه از غرب کابل، دهمزنگ، میرویس میدان، تپهٔ سلام و سایر مناطق دور و نزدیک شهر به طرف مرکز شهر یورش می برند و نه تنها قصر و بیوروی حزب دموکراتیک افغانستان، بلکه کنگرهٔ حزب کمونیست شوروی وقت را به لرزه در می آورند. در این تظاهرات زن و مرد، پیر و جوان از طریق جادهٔ دهمزنگ به سوی شهر به حرکت افتادند. ص۷

جعبهٔ سیاه هواپیمای ساقط شدهٔ کام ایر به آمریکا برده شد

پس از گذشت دوازده روز از سقوط هوا پیمای شرکت کام ایر که ۱۰۴ تن قربانی داشت گروه های جستجو گر شامل نیروهای افغانی، نظامیان آمریکا و نیروهای آیساف اعلام کردندکه جعبهٔ سیاه هواپیمای کام ایررادریافته اند.

طی دو هفتهٔ گذشته اقارب قربانیان این سانحه در مقابل دفاتر کام ایر در کابل وهرات مجمع کرده و خواستار شدندکه اجساد قربانیان به خانواده های شان سپرده شود، شهروندان ما می پندارند که گفتگوی پیلوت هوا پیمای مذکور با مراکز ارتباط در میدان هوایی بگرام و شهر کویته در جعبهٔ سیاه ثبت است. اقارب قربانیان حادثه و هموطنان ما انتظار داشتند که با دریافت جعبهٔ سیاه چند وچون سقوط طیاره برملا گردد در پی این همه انتظار روز دوشنبه ۲۶ دلو آقای زلمی خلیلزاد سفیر آمریکا در کابل طی یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام داشت که جعبهٔ سیاه به آمریکا انتقال گردیده به گفتهٔ وی جعبهٔ سیاه دریافت شده، فعالیت انجن و مسائل تخنیکی را واضح می سازد و جریان گفتگو ها در آن ثبت نمی باشد. ص۶



پیام های تسلیت و همدردی

اکنون که دوهفته از سانحهٔ سقوط طیارهٔ مسافربری کام ایر می گذرد و احتمال کشته شدن یکصد و چهار تن از مسافران و عملهٔ آن به یقین مبدل گردیده است؛ جمعیت اسلامی افغانستان مراتب تأثر عمیق خویش را به مناسبت این سانحه ابراز داشته و به بازماندگان شهدای آن تسلیت عرض می نماید و خود را در این غم با آنان شریک می داند.

•••

طبق گزارش ها به تاریخ ۲۶ دلو در یکی از مساجد بزرگ شهر تهران (مسجد ارگ) آتش سوزی رخ داد و بیش از شصت تن از خواهران و برادران ایرانی ما در این حادثه به شهادت رسیده و صد ها تن دیگر مجروح گردیده اند.

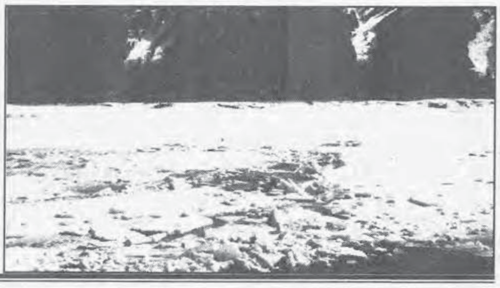
جمعیت اسلامی افغانستان مراتب تسلیت و همدردی خویش را به مناسبت وقوع این حادثهٔ دلخراش به دولت و ملت کشور دوست و برادر جمهوری اسلامی ایران تقدیم می دارد و برای شهدای حادثه، علو درجات و برای مجروحین آن شفای عاجل و کامل از بارگاه خداوند متعال مسألت می نماید.

•••

جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت مرگ رفیق حریری صدر اعظم سابق لبنان که طی یک توطئهٔ تروریستی و در اثر یک انفجار بزرگ و مهیب در شهر بیروت به تاریخ ۲۶ دلو صورت گرفت مراتب تسلیت وهمدردی خویش را به خانوادهٔ داغدار و مردم لبنان ابراز می دارد و برای ملت و کشور لبنان از بارگاه الهی صلح و آرامش و آسایش استدعا می نماید.

سرمای شدید قربانی می گیرد!
پس از وقوع این همه حوادث ناگوار، کمیسیون دردی را دوا خواهد کرد؟

سردی هوا و باریدن متواتر برف در سراسر کشور، با این که پس از سالیان دراز خشکسالی و کمبود آب امیدواری هایی را برای



بهتر شدن منابع آب و بهبود وضع زراعت و میسر شدن امکانات بهتر معیشتی به همراه دارد، پیامدهای ناگوار و تأسف باری را نیزبه بارآورده است. بیشتر کسانی که از اثر سردی هوا و ریزش برف متأثر گردیده اند مردم بی سرپناه و نادار کشور ند.

سردی هوا و برف باری های متواتر تلفات انسانی بی سابقه یی در پی داشته است. وزیر صحت عامهٔ هفتهٔ گذشته رقم کسانی را که از اثر سردی هوا و بیماری های ناشی از آن جان باخته اند دوصد نفر اعلام کرد. وی گفت بیشتر از نه صد کودک به اثر بیماری های زمستانی به بیمارستان ها منتقل شده اند که ۲۶ تن آنان جان داده است.

نخستین قربانیان سردی هوا در کابل پنج تن از خانواده های بی سرپناهی بود که در مرکز شهر کابل در زیر خیمه ها زندگی می کنند. بیشتر آنها مهاجرانی اند که در دوران جنگ های ص۸

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل- چهار راهی پروان دوم جادۀ بادام باغ
صندوق پستی: ۲۳۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

۳ حوت خاطرۀ به یاد ماندنی تاریخ وحماسۀ ماندگار شهریان کابل

۳ حوت سال ۱۳۵۸ از خاطرات به یادماندنی تاریخ معاصر کشور و نشانۀ بارز و برجستۀ آزادی خواهی، استقلال طلبی، کفر ستیزی و تنفر و انزجار مردم مسلمان و آزادی دوست ما از حضور سلطه جویانۀ بیگانگان و قطعات مسلح اجنبی می باشد.

در این روز بود که حماسۀ ماندگار قیام عمومی شهریان کابل با فریادهای کوبنده و مکرر الله اکبر در شب و روز سوم حوت رقم خورد و به رژیم دست نشانده و مزدور و به بادار خارجی آن (ابر قدرت اهریمنی و جهانخوار وقت) و به مردم دنیا این پیام را داد که ملت مسلمان و سرافراز افغانستان و شهریان حماسه آفرین قلب کشور یعنی کابل عزیز، با دست های خالی ولی با ایمان و ارادۀ پولادین و با نعره های ملکوتی و کفر شکن الله اکبر در صف و سنگر جهاد قرار دارند و از ارزش های دینی و ملی خویش در برابر ملحدین و متجاوزین خارجی دفاع می نمایند.

قیام ۳ حوت شهریان کابل، بطلان ادعای حمایت مردمی رژیم دست نشانده را به وضوح ثابت ساخت زیرا: کمونیست های خلق و پرچم ادعا داشتند که همۀ مردم افغانستان از کودتای ثور و بعد تجاوز ۶ جدی حمایت کرده اند و اگر قیام ها و خیزش هایی در اطراف کشور علیه رژیم صورت گرفته است، ناشی از مداخلۀ خارجی و یا عدم اطلاع و آگاهی درست مردم از رژیم و اقدامات و پروگرام های انقلابی و مترقی آن است!

مردم اطراف و ولایات به دلیل بیسوادی و عدم درک اندیشه های نوین و پیشتاز در برابر رژیم مخالفت، مقاومت و یا قیام می نمایند ولی مردم شهرها و به خصوص شهر با فرهنگ و متمدن کابل با ما هستند و چون کابل شهر بزرگ و پایتخت وقلب کشور است، بنا بر این حمایت و پشتیبانی شهریان آن از رژیم و حامیان خارجی آن در خور اهمیت اساسی است و مارش ها و راه پیمایی های (اجباری) مردم آن، گواه این ادعاست!

در شهر کابل بود که حزب دموکراتیک خلق تأسیس گردید و نشریه های آن فعالیت می نمود. در این شهر بود که تظاهرات وسیع جریان دموکراتیک برای بار اول صورت گرفت و در این شهر بود که چند تن از اعضای این جریان به نمایندگی از مردم به پارلمان راه یافتند و...

بلی! قیام و حماسۀ تاریخی ۳ حوت شهریان کابل، با سازماندهی قبلی مجاهدین به صورت همزمان در چند نقطۀ شهر آغاز و به سرعت در تمام شهر گسترش یافت و پایه های رژیم دست نشانده و شاخ کبر و جبروت اردوی شکست نا پذیر سرخ را به لرزه در آورد.

این روز تاریخی از پیروزی جهاد و مردم افغانستان، سرنگونی رژیم های دست نشانده و شکست و زبونی و فرار اردوی متجاوز سرخ، نوید و اطمینان داد.

۳ حوت روز پیروزی نعره های ملکوتی الله اکبر، الله اکبر و الله اکبر بر فریاد های شیطانی هورا، هورا و هورا بود.

در این روز فریاد خشم و اعتراض مردم با صفیر گلوله های دژخیمان و آدم کشان پاسخ گفته شد و صدها تن از شهریان مجاهد و شجاع کابل به خاک و خون غلتیدند و به درجۀ رفیع شهادت نایل گردیدند.

گرچه یاد و خاطرۀ این روز تاریخی وشهدای گرانقدر آن، در دل تاریخ کشور ثبت و ماندگار است ولی بایست تا تعداد دقیق و نام و سوانح این عزیزان در کتاب های تاریخ نیز ثبت و درج گردد و این وظیفه و وجیبۀ همۀ ماست که در این امر بکوشیم و پیشگام باشیم تا فقط دیگران وعمدتاً بیگانگان - مانند همیشه - برای ما تاریخ خود ما را طبق دلخواه خویش ننویسند و حق را کتمان یا تحریف ننمایند.

گرامی باد یاد و خاطرۀ حماسۀ ۳ حوت وشهدای قهرمان آن!

محیط های غیر سیاسی!

محمد نسیم فقیری

در این روز ها از علایق و گرایش های سیاسی، حزبی، قومی، سمتی و زبانی در سطح جامعه و خصوصاً مؤسسات تحصیلات عالی صحبت می گردد وتعدادی از تحلیل گران و صاحب نظران بر ضرورت غیر سیاسی شدن محیط های تعلیمی و تحصیلات عالی تأکید می نمایند.

در این مورد به دو نکتۀ مهم باید توجه داشت:

۱- افکار و اندیشه های سیاسی و علاقه به امور و جریانات و تحولات سیاسی و ابراز نظر در مورد آن با تعلقات و وابستگی های حزبی متفاوت است.

۲- علایق وتمایلات و تعصبات قومی، سمتی و زبانی در اکثر موارد با اندیشه های سیاسی ووابستگی های حزبی پیوند و رابطه ندارد.

در مورد اول باید گفت که اکثر افراد تحصیل یافته و حتی بیسواد به مسائل وجریانات سیاسی علاقه دارند و درباره آن در منزل، محل کار و در جمع دوستان وخویشاوندان ودر محافل شادی و غم و یادر مصاحبه با رسانه ها اظهار نظر ویا تبصره می نمایند. ولی تعدادی زیاد از آنان در احزاب ویا گروه ها عضویت ندارند و حتی دیده می شود که فکر ها، نظر، برداشت و قضاوت انان با موضع گیری برخی از احزاب، بدون تعلق و وابستگی، مطابقت دارد.

در مورد دوم باید گفت که گرایش ها و تعصبات قومی، سمتی و زبانی و مذهبی فراتر از محدوده احزاب و گروه های خاص به ملاحظه می رسد و چه بسا که این گرایش ها وتعصبات در برخی از منسوبین احزاب ملی و فراگیر و گروه های مختلف دارای اندیشه ها و ارمان های متفاوت و حتی متضاد نیز دیده می شود.

بنا بر این لازم است تا میان علاقه و دلچسپی به مسائل سیاسی، تعلق و وابستگی حزبی و تعصبات وگرایش های قومی، زبانی و مذهبی فرق گذاشت و هر کدام را به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار داد. گرچه مواردی نیز وجود دارد که هرسه مورد فوق جمعاً در رفتار و گفتار یک شخص ویا یک گروه به مشاهده می رسد.

در بحث محیط های غیر سیاسی که بیشتر به قطعات قوای مسلح (اعم از اردو، پلیس و امنیت ملی) و یا بخش های صحت عامه و معارف و تحصیلات عالی و یا محاکم و سارنوالی ها وغیره اطلاق می گردد، بازهم باید میان کلمات سیاسی و حزبی فرق قایل شد و نباید یکی را به جای دیگری به کار برد.

امروزه با در نظر داشت تحولات سیاسی و پیشینه های این تحولات و اوضاع جاری به خصوص پس از انفاذ

> **لازم است تا میان علاقه و دلچسپی به مسائل سیاسی، تعلق و وابستگی حزبی و تعصبات وگرایش های قومی، زبانی و مذهبی فرق گذاشت و هر کدام را به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار داد**

قانون اساسی و قانون احزاب سیاسی بسیار دشوار وحتی ناممکن خواهد بود که محیط ها و نهادهای حکومت، قضا، پارلمان، قوای مسلح ومؤسسات تعلیمی را غیر سیاسی و صرفاً مسلکی و به دور از تاثیر پذیری اندیشه ها و یا جریانات سیاسی نگهداشت و یا این قید را بر انان تحمیل نمود. زیرا همگان می دانند که سراپای جامعۀ ما سیاسی شده و این سیاسی بودن با اصول دموکراسی و جامعۀ مدنی کاملاً مطابقت دارد.

ولی انچه که خلاف قانون و یک امر زیانبار و حتی تباهکن می باشد، حزبی شدن نهادهای یاد شده است وبه خصوص حزبی شدن اردو که فاجعه های خونین و ویرانگر هفت ثور و ۶ جدی را با آن همه جنایات هولناک و تباهی ها و ویرانی ها به دنبال داشته است.

با کودتای خاینانه و خونین هفت ثور، رژیم کمونیستی خلق و پرچم با سیستم یک حزبی - مانند همه رژیم های کمونیستی دنیا - استقرار یافت و نه تنها وزارت ها و مناصب و مقامات عالی، ملکی ونظامی را در انحصار خود قرار داد بلکه مدیریت های ابتدایی را نیز به اعضا و یا خوشبین های خویش سپرد وحتی محصلین پوهنتون ها و متعلمین و افراد کم سواد و بی سواد خود را به مدیریت و ریاست و بالاتر از آن نصب نمود.

این رژیم یک حزبی هرگز مخالفین سیاسی را تحمل ننمود بلکه حق حیات را نیز از آنان گرفت و هزاران تن را در زندان ها به قتل رسانید. رژیم کمونیستی یک حزبی نه تنها مخالفین بلکه افراد بیطرف وبی تفاوت را نیز دشمن می پنداشت و حتی فراکسیون های داخلی حزب حاکم را تحمل نمی کرد و به تصفیه های خونین می پرداخت!

و این عمده ترین دلیل روگردانی و حتی تنفر برخی از افراد جامعۀ ما از نام حزب و حکومت حزبی است!

برگردیم به اصل مطلب وبحث محیط های غیر سیاسی: محیط ها و نهادهای ذکر شده باید به سیاست علاقه مند و از جریانات سیاسی کشور، منطقه و جهان آگاه و مطلع باشند ولی نهادهایی که قانوناً از وابستگی حزبی منع گردیده اند، نباید از قانون سرپیچی نمایند و یا به محیط و میدان جلب و جذب احزاب سیاسی مبدل گردند.

در مورد حکومت و اراکین و مامورین ان باید گفت که قانون اساسی آنان را از عضویت در احزاب سیاسی منع نکرده است ولی نباید از مقام، موقف و یا صلاحیت های خود به صورت غیر قانونی به نفع احزاب خویش استفاده نمایند. ولی حکومت خود یک ارگان ونهاد سیاسی است و هرگز نمی تواند غیر سیاسی باشد، اما غیر حزبی بوده می تواند.

ادامه دارد

د ائتلاف په زندانونو کي روان چال چلند د اندیښني وړ دي

پامير

له کوم وخت څخه چي د ترهګرو پرخلاف مبارزه کي د متحده ايالاتو په مشري ائتلافي ځواکونه زموږ هيواد ته راننوتي بيا تر ننه پوري ئي يو زيات شمير هغه هيوادوال چي په بيلابيلو سيمو کي ئي د ترهګر او ورانکاري شک پري راغلي نيولي، يا ئي د کيوبا دګوانتانامو زندان ته استولي او يا ئي په هغو بنديخانو کي تر توقيف لاندي نيولي چي پخپله د ائتلافي ځواکونو تر لاس لاندي دي

نن په ټول افغانستان کي دغسي شل بنديخاني موجودي دي چي ډيري مهمي ئي د کندهار او بګرام دهوائي اډي بنديخاني دي. په دغو بنديخانو کي ټول نژدي پنځه سوه بنديان ژوند کوي چي د تحقيق او څارني چاري ئي د امريکائي پوځيانو پر غاړه دي

له هغه وخت نه چي په عراق کي له عراقي بنديانو سره د امريکائي پوځيانو ناوړه چلند رسوا شوي داسي نخښي نخښاني ځرګندي شوي چي له افغاني بنديانو سره هم د ابوغريب د زندان په څير ناوړه او بشري ضد چال چلند شوي افغاني بنديان ځورول شوي او ربړول شوي دي. لکه په دي برخه کي چي څو ورځي مخکي هم د بشر د حقوقو د سازمان يو څارونکي شريف بسوني په هغه لنډ رپوټ کي چي په افغانستان کي ئي د بشر د حقوقو په باب برابر کړي دي وائي يو شمير افغانان د امريکايانو له خوا په غير قانوني توګه نيول شوي او زندان ته اچول شوي. له هغوي سره بد چلند کيږي او يو شمير ئي تر ځورولو او شکنجو لاندي نيول کيږي

همدا رنګه په افغانستان کي د بشر د حقوقو د خپلواک کميسيون يو مسئول احمدنادر نادري وائي د دغه کميسيون د ټينګار سره سره زموږ څارونکوته چا اجازه نه ده ورکړي چي په هيواد کي دننه امريکائي بنديخاني ووينې او له بنديانو سره دهغوي په چال چلند وپوهيږي څو موږ دهغو کسانو له خولي چي ئي د بندنه خلاص شوي دومره معلومات لرو چي هغوي ته دلمنځه لپاره د اودس اوبه نه ورکول کيږي. په هغو بنديانو په سړوخه کي يخي اوبه او په تودوخه کي ايشيدلي اوبه اچول کيږي. په يخو کوټو کي ساتل کيږي. په يوه پښه درول کيږي او وزن ورته په غاړه کي اچول کيږي. بي خوبي ورکول کيږي او کله ناکله بربنډ ئي ساتونه هم وينې چي څه موده مخکي هم د بګرام په بنديخانه کي دهمدغه راز ناوړه چلندو له مخي څلور تنه افغان بنديان وژل شوي دي. د امريکا په مشري د ائتلاف د ځواکونو وياند بيا ادعا کوي چي په دغو بنديخانو کي له بنديانو سره هيڅ ډول بد چلند نه کيږي. زموږ خلک شاهد دي چي امريکايان مشکوک عناصر بي له دي چي د جرم د ثبوت لپاره ئي اسناد ولري نيسي او په مياشتو مياشتو ئي په خپلو دغو پوځي اډوکي ساتي حال داچي هغوي د پوهني غاړي خلک وي چي د دخيل دښمن له خوا ائتلافي ځواکونو ته په لاس ورکول کيږي او يا داچي غريبکاره او خوارېکښ کسان وي چي د خوارۍ او مزدورۍ په لټه کي وي خو د بده مرغه چي ځيني وخت همدغه راز کسان په مياشتو مياشتو په بند کي ساتل کيږي او ځورول کيږي

چرا انتخابات به تأخیر افگنده می شود؟

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

در کشورهای قربانی بحران به صورت عموم، به ویژه در افغانستان که در بازی های سودجویانهٔ منطقه یی و بین المللی، برای به دام افگندن آن، در تاریخ سیاسی معاصر، بحران های پیهمی، طراحی شده و می شود، قرار بر این شده است که باید، شد و نشد و امکان و عدم امکان اجرای هر برنامه یی و فعال ساختن و یا تعطیل هر نهادی در عرصه های مختلف زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در گرو تصمیم دیگران وهمکاسه های آنان باشد.

آری! بر بنیاد همچو یک باوری، انتخابات پارلمانی و یا شورای ملی، در کشور ما هم - که شعارهای دموکراسی و مردم سالاری تا هنوز یگانه دست آورد چشمگیر بعد از شکست نظام طالبان و آوای تسکین بخش توده های محروم از تأمین همه نیازهای اولی زندگی بخوانش گرفته شده و در زمین و فضای وطن شور و غلغله افگنده است - باید بسته به تصمیم دیگران باشد و آنان و هم پیمانان داخلی شان تصمیم بگیرند که چه وقت انتخابات پارلمانی برگزار شود؟

آیا وجود پارلمان در این وقت با تحلیل اوضاع کنونی می تواند گامی در راستای تحقق اهداف کوتاه مدت و دراز مدت آنان باشد؟. انتخابات پارلمانی که بنا به حکم فقرهٔ دوم مادهٔ یکصد و شصتم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان ، باید همزمان با انتخابات ریاست جمهوری، صورت می گرفت به بهانه های گوناگون به ماه ثور ۱۳۸۴ به تأخیر انداخته شد، ولی چندی قبل دکتر عبدالله وزیر خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان از طریق رسانه های خبری ضمن مصاحبه یی اظهار داشت که انتخابات شورای ملی، شاید دوماه دیگر به تأخیر افتد.

رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان آقای کرزی هم ضمن یک کنفرانس مطبوعاتی بدون این که به صراحت در این مورد حرفی بگوید، یاد آور شد که علاقه مندیم انتخابات پارلمانی در وقت معین صورت پذیرد. ولی باز هم این امر را به فیصلهٔ کمیسیون انتخابات مربوط دانست.

در ارتباط به این موضوع می توان چند پرسش را عنوان کرد:

۱- آیا واقعاً نظام حاکم در این کشور، نظامی است استوار بر پایه های دموکراسی و مردم سالاری؟

۲- آیا تصمیم سازان در این کشور مردم اند یا خیر؟

در ارتباط به پرسش نخست باید یاد آور شد که نظام حاکم بر زندگی سیاسی مردم در این کشور که عنوان دموکراسی و مردم سالاری را به خود گرفته است، تا هنوز در هیچ یک از برنامه های سیاسی و اقتصادی که به سرنوشت امروز و فردای این کشور بستگی دارد، بازتاب نیافته است.

بنا بر آن، چنین نظامی و لو که در رسانه های نوشتاری، دیداری و گفتاری به حیث یک نظام مردم سالار عنوان می شود و رئیس جمهور برگزیده از طرف اکثریت مردم هم در رأس آن قرار دارد، ولی برنامه های آن در عرصه های مختلف که زندگی این ملت را رقم می زند، به دور از ارادهٔ آن -که شورای تمثیل کنندهٔ آن است- به پیش می رود، و تشکیل شورای ملی هم که ستون فقرات هر نظام استوار بر پایه های دموکراسی را به نمایش می گذارد بیشر در گرو مساعد شدن فضا برای تحقق منافع دیگران است تا منافع ملت و مصلحت های حال و آیندهٔ آن.

و اما در مورد پاسخ به دومین پرسش عنوان شده باید، ملاک و

تشکیل شورای ملی هم که ستون فقرات هر نظام استوار بر پایه های دموکراسی را به نمایش می گذارد بیشر در گرو مساعد شدن فضا برای تحقق منافع دیگران است تا منافع ملت و مصلحت های حال و آیندهٔ آن

داوری ها در این راستا آرای مطرح در بازار و خیابان ها قرار گیرد که یگانه آیینهٔ تمام نمای صحت و سقم و کجی و راستی هر نظام سیاسی و اجتماعی و... است داوری هایی که با تأسف همهٔ آن ها منفی است، و نمی توان آن ها را نا دیده گرفت.

نکتهٔ محوری که باید در پیرامون آن ترکیز صورت گیرد، این است که چرا این همه به تأخیر افگندن ها در مورد برگزاری انتخابات پارلمانی به وقوع می پیوندد.

همان گونه که از مصاحبه ها و میز گردهای ترتیب شده از طریق هواداران پروسهٔ کمرنگ سازی حضور مجاهدین در آیندهٔ سیاسی این کشور هویدا و آشکار است، تلاش هایی گسترده از طرف نهادهای بیرونی و دخیل در تصمیم سازی و تصمیم گیری برای افغانستان و گروه های معلوم الحال داخلی، درجریان است که با چه برنامه هایی می توانند از ورود مخالفان برنامهٔ به خصوص خویش - برای ایجاد یک افغانستان بریده از هویت ملی و افتخارات تاریخی اش - جلوگیری نمایند.

علمبرداران این گونه طرز دید، منحصر به طیف خاصی نبوده و شامل همه طیف هایی اند که به نحوی از انحا در مخالفت با نیروهای جهادی و آزادی بخش قرار دارند.

برای تحقق این برنامه راهکارهای زیادی به کار گرفته شده است که به گونهٔ نمونه می توان به شماری از آن ها اشاره کرد:

۱- استفاده از گزارش به اصطلاح 'کمیسیون مستقل حقوق بشر' کمیسیونی که دست اندرکاران آن را به صورت عموم کسانی تشکیل می دهند که یا گذشتهٔ ضد جهاد و مجاهدین داشته و یا کسانی اند مجهول الهویه و چنین گزارش را نمی توان بر اساس معیارهای حقوقی و قضایی، گزارش بی طرفانه و قابل قبولی تلقی کرد، از همه مهم تر این که این گزارش با همه پرسش هایی که در مورد آن مطرح است از طرف نمایندهٔ ملل متحد، به مقام اول کشور تقدیم گردیده و ریاست جمهوری هم آن را به نوعی مورد تأیید قرار می دهد.

۲- معطل قرار دادن رسمیت احزاب جهادی به بهانه های فاقد هر گونه معقولیت و منطق.

در حالی که اکثریت احزاب بزرگ جهادی واجد شرایط در قانون احزاب بوده وهیچ مانعی در برابر رسمی شدن آن ها وجود ندارد.

بهانهٔ DDR را مطرح نموده اند که بهانه یی که با هیچ منطق نمی توان آن را توجیه نمود.

در حالی که وزارت دفاع ملی افغانستان فعال بوده و وظیفه دارد که در همکاری با ادارهٔ DDR گروه های غیر مسؤول را خلع سلاح نماید. دیگر رهبران تنظیم های جهادی چه مسؤولیت دارند که در این راستا برای رسمی شدن خود فعالیت هایی را انجام دهند.

تنها قانوناً می توانند از طریق اعلامیه ها و مصاحبه ها به گروه های نظامی سابقهٔ خویش دستور دهند که سلاح های خود را تسلیم وزارت دفاع نمایند.

این پا فشاری مقام های جمع آوری سلاح در سطح خارجی و داخلی خود مبین آن است که زیر کاسه نیم کاسه است و اصلاً هدف چیز دیگری است که در جهت تحقق آن تلاش هایی جریان دارد.

بر بنیادآنچه گفته آمد باید علت به تأخیر افگندن انتخابات را در جای دیگری جستجو کرد نه در چیز هایی که ظاهراً به نشخوار می گیرند.

حماسهٔ حسین

عبدالعلی کوهی

در شهر مدینه (دارالإسلام) نخستین پایه های حکومت اسلامی گذاشته شد. حکومتی که در رأس آن رسول اکرم صلی الله علیه وسلم قرار داشت. در برابر این دارالإسلام دارالکفر قرار گرفته بود که مرکز دشمنی با اسلام بود، و مسلمانان را به جهاد و مبارزه می طلبید.

پس از رحلت پیامبر بزرگ اسلام نخستین موضوعی که یاران او را به خود مشغول داشت، انتخاب رهبر بود. حتی قبل از دفن رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به این کار اقدام ورزیدند و با ابوبکر بیعت کردند. علما و دانشمندان اسلامی بر وجوب و ضرورت تعیین و انتخاب رهبر تأکید می نمایند و آن را رمز و عنوان حکومت اسلامی می دانند. در اندیشه و تفکر اسلامی هیچگاه جدایی دین از دولت مطرح نبوده است.

در اسلام معیار عدالت است، فرمان روایی و دیانت دو پدیدهٔ جدایی نا پذیرند، در هیچ شرایط وزمانی، اسلام از حکومت مسؤولیت شناس بی نیاز نیست، اما حکومت هایی مانند حکومت یزید، حکومت های توتالیتر، کمونیست، سوسیالیست و لائیک مورد تأیید اسلام نبوده است و مسلمانان ناگزیرند در برابر این گونه نظام هامقاومت کنند.

شعار حکومت در اسلام همان است که ربعی بن عامر خطاب به رستم فرخزاد فرمانده ارتش ایران بیان داشته است: "خداوند ما را فرستاده است، تا مردم را از بردگی انسان ها آزاد کنیم و آنها را تنها به فرمان بری از خداوند رهنمون شویم و از محدودیت وتنگی دنیا آنان را به گستردگی و فراخی آخرت رهنمایی کنیم و از ستم ادیان و مذاهب نجات شان دهیم و آنها را با عدالت اسلام آشنا نماییم."

به گفتهٔ استاد جپ (Jep): اسلام فقط باورهای دینی فردی نیست، بلکه این دین اقامهٔ جامعهٔ مستقل با ساختار حکومتی استوار، قوانین و ارکان های ویژه را واجب و ضروری شمرده است.

حماسهٔ حسین و حادثهٔ عاشورا دارای دو زاویهٔ مشخص است: نبرد حق علیه باطل، صفحهٔ سفید و سیاه. در یک طرف ظلم، جنایت، بی رحمی، نا مردی و قساوت است و قهرمان این صفحه یزید و ابن زیاد ودر صفحهٔ دیگر ایمان، حقیقت، مجاهدت، صبر و رضا و قهرمان آن امام حسین و برادرانش. یک طرف شعار ارزش است و طرف دیگر بی ارزشی. درمبارزه و جهاد امام حسین شکست وجود ندارد، امام حسین تفکر نهضت اسلامی را زنده نگهداشت و در هر زمان با الهام از نهضت حسین علیه ظلم و باطل مبارزه صورت می گیرد، این پیروزی حسین است و پیروزی از این بالاتر چه خواهد بود؟ یزید ها و ابن زیاد ها می روند ولی حسینیان باقی می مانند.

نهضت حسین در تاریخ مبارزات حق خواهی مسلمانان در برابر ظلم و بی عدالتی نه به عنوان یک شخص، بل به عنوان یک ایده مطرح است. از نظر ابن خلدون حکومت اسلامی در واقع نیابت و وکالت از صاحب شریعت است که هدف آن حراست از دین و ادارهٔ امور دنیاست.

رسول خدا صلی الله علیه و سلم در حدیث معاذ، در برابر نا ملایمات روزگار به انسان ها هشدار می دهد، و می فرماید: "بدانید که چرخ اسلام همچنان در گردش است، و مدام هرجا که رفت آن را همراهی کنید، بدانید که قرآن و قدرت(دین و دولت) از هم جدا خواهند گردید. در آن صورت شما کتاب را تنها نگذارید، بدانید که درمیان شما فرمان روایانی خواهند آمد که برای خود به گونه یی و برای شما به گونه یی دیگر داوری خواهند کرد، اگر آنان را نا فرمانی کنید، شما را خواهند کشت و اگر از آنان فرمان برداری نمایید شما را به بیراهه و گمراهی خواهند انداخت، از ایشا[illegible]د که یا رسول الله آنگاه چه کاری را باید انجام د[illegible]ام راه را انتخاب کنیم؟ فرمود: همانند شاگردان عیسی بن مریم تحمل کنید که با اره دو نیم شدند و آنها را به دار آویختند؛ زیرا مرگ در فرمان برداری خداوند بسی بهتر از زندگی در معصیت اوست."

اینست آیده آل های برینی که امام حسین برپایهٔ این ارشادات خواست دین جد خود را با شمشیر نگهدارد و برای مسلمانان یک دکترین عالی ایجاد نماید. راه و روش امام حسین وعاشورای حسین، مکتب از خود گذری است وقتی زمامدار و رهبر از نام اسلام بر ضد اسلام عمل کند، از شعار دین مسلمانان را سر ببرد و دین را وسیلهٔ ادامهٔ سلطهٔ خویش نماید و به خاطر حفظ قدرت و رسیدن به هدف نا مقدس خویش از هر وسیله استفاده نماید، بر مسلمان است تا آن را با شمشیر به راه راست هدایت دهد. قرآن کریم در جنگ حق و باطل چقدر خوشبینانه نگاه می کند و می گوید: این نمود باطل شما را نترساند، این فراگیری باطل شما را مأیوس نکند: زیرا سر انجام حق پیروز است، حق همیشه بوده است. در طول تاریخ همیشه حق و باطل با یکدیگر در حال جنگ بوده اند ولی قرآن وعدهٔ پیروزی نهایی حق بر باطل را می دهد، و این را سرنوشت نهایی تاریخ می داند.

فریاد العطش زبیابان کربلا

محتشم کاشانی

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین
بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است
این صبح تیره باز دمید از کجا کز او
کار جهان و خلق جهان جمله درهم است
گویا طلوع می کند از مغرب افتاب
کاشوب در تمامی ذرات عالم است
گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست
این رستخیز عام که نامش محرم است
دربارگاه قدس که جای ملال نیست
سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است
جن و ملک بر آدمیان نوحه می کنند
گویا عزای اشرف اولاد آدم است

خورشید اسمان و زمین نور مشرقین
پرورده در کنار رسول خدا حسین

•••

کشتی شکست خورده طوفان کربلا
در خاک و خون طپیده به میدان کربلا
گرچشم روزگار بر او فاش می گریست
خون می گذشت از سر ایوان کربلا
نگرفت دست دهر گلابی بد غیر اشک
زان گل که شد شکفته به بستان کربلا
از اب هم مضایقه کردند کوفیان
خوش داشتند حرمت مهمان کربلا
بودند دیو و دد همه سیراب و می مکید
خاتم ز قحط اب سلیمان کربلا
زان تشنگان هنوز به عیوق می رسد
فریاد العطش زبیابان کربلا
آه از دمی که لشکر اعدا نکرد شرم
کردند رو به خیمه سلطان کربلا

آندم فلک بر آتش غیرت سپند شد
کز خوف خصم در حرم افغان بلند شد

•••

کاش آن زمان سرادق گردون نگون شدی
وین خرگه بلند ستون بی ستون شدی
کاش آن زمان در آمدی از کوه تا به کوه
سیل سیه که روی زمین قیرگون شدی
کاش آن زمان زآه جگر سوز اهل بیت
یک شعله برق خرمن گردون دون شدی
کاش آن زمان که این حرکت کرد اسمان
سیماب وارگوی زمین بی سکون شدی
کاش آن زمان که پیکر او شد درون خاک
جان جهانیان همه از تن برون شدی
کاش آن زمان که کشتی آل نبی شکست
عالم تمام غرقه دریای خون شدی
آن انتقام گر نفتادی بروز حشر
با این عمل معامله دهر چون شدی

آل نبی چو دست تظلم بر آورند
ارکان عرش را به تلاطم در آورند

•••

برخون غم چو عالمیان را صلا زدند
اول صلا به سلسله انبیا زدند
نوبت به اولیا چو رسید آسمان طپید
زان ضربتی که بر سر شیر خدا زدند
بس آتشی زاخگر الماس ونیزه ها
افروختند و بر جگر مجتبی زدند
وآنگه سرادقی که ملک محرمش نبود
کندند از مدینه و بر کربلا زدند
وز تیشه ستیز در آن دشت کوفیان
بس نخل ها زگلشن آل عبا زدند
بس ضربتی کز او جگر مصطفی درید
برحلق تشنه خلف مرتضی زدند
اهل حرم دریده گریبان گشاده مو
فریاد بر در حرم کبریا زدند

روح الامین نهاد به زانو سر حجاب
تاریک شد ز دیدن آن چشم آفتاب

چون خون زحلق تشنه او بر زمین رسید
جوش از زمین بذروه عرش برین رسید
نزدیک شد که خانه ایمان شود خراب
از بس شکست ها که به ارکان دین رسید
نخل بلند او چو خسان بر زمین زدند
طوفان به آسمان زغبار زمین رسید
باد ان غبار چون به مزار نبی رساند
گرد از مدینه بر فلک هفتمین رسید
یکباره جامه در خم گردون به نیل زد
چون این خبر به عیسی گردون نشین رسید
پر شد فلک زغلغله چون نوبت خروش
از انبیا به حضرت روح الامین رسید
کرد این خیال وهم غلطکار کان غبار
تا دامن جلال جهان آفرین رسید

هست از ملال گرچه بری ذات ذوالجلال
او در دلست و هیچ دلی نیست بی ملال

•••

ترسم جزای قاتل او چون رقم زنند
یکباره بر جریدهٔ رحمت قلم زنند
ترسم کزین گناه شفیعان روز حشر
دارند شرم کز گنه خلق دم زنند
دست عتاب حق بدر آید ز استین
چون اهل بیت دست در اهل ستم زنند
اه از دمی که با کفن خون چکان زخاک
ال علی چو شعلهٔ اتش علم زنند
فریاد از ان زمان که جوانان اهل بیت
گلگون کفن به عرصه محشر قدم زنند
جمعی که زد به هم صفشان شور کربلا
در حشر صف زنان صف محشر به هم زنند
از صاحب حرم چه توقع کنند باز
ان ناکسان که تیغ به صید حرم زنند

بس بر سنان کنند سری را که جبرئیل
شوید غبار گیسویش از اب سلسبیل

•••

روزی که شد به نیزه سر ان بزرگوار
خورشید سر برهنه بر آمد زکوهسار
موجی به جنبش آمد و برخاست کوه کوه
ابری به بارش آمد و بگریست زار زار
گفتی تمام زلزله شد خاک مطمئن
گفتی فتاد از حرکت چرخ بی قرار
عرش ان زمان به لرزه در آمد که چرخ پیر
افتاد در گمان که قیامت شد آشکار
آن خیمه ای که گیسوی حورش طناب بود
شد سرنگون زباد مخالف حباب وار
جمعی که پای محملشان داشت جبرئیل
کشتند بی عماری و محمل شتر سوار
با انکه سرزد این عمل از امت نبی
روح الامین ز روح نبی گشت شرمسار

وانگه زکوفه خیل الم رو بشام کرد
نوعی که عقل گفت قیامت قیام کرد

•••

بر حربگاه چون رد آن کاروان افتاد
شور و نشور و واهمه را در گمان فتاد
هم بانگ نوحه غلغله در شش جهت فگند
هم گریه بر ملایک هفت آسمان فتاد
هرجاکه بود آهوئی از دشت پاکشید
هرجا که بود طایری از آشیان فتاد
شد وحشتی که شور قیامت بیاد رفت
چون چشم اهل بیت بر آن کشتگان فتاد
هرچند برتن شهدا چشم کار کرد
بر زخمهای کاری تیغ و سنان فتاد
ناگاه چشم دختر زهرا در ان میان
بر پیکر شریف امام زمان فتاد
بی اختیار نعره هذا حسین ازو
سر زد چنانکه آتش ازو در جهان فتاد

پس با زبان گله ان بضعة الرسول
رو در مدینه کرد که یا ایها الرسول

این کشته ی فتاده به هامون حسین تو است
وین صید دست و پا زده در خون حسین تو است
این نخل تر کز آتش جان سوز تشنگی
دود از زمین رساند به گردون حسین تو است
این ماهی فتاده به دریای خون که هست
زخم از ستاره بر تنش افزون حسین تو است
این غرقه ی محیط شهادت که روی دشت
از موج خون او شده گلگون حسین تو است
این خشک لب فتاده دور از لب فرات
کز خون او زمین شده جیحون تو است
این شاه کم سپاه که با خیل اشک و آه
خرگاه زین جهان زده بیرون حسین تو است
این قالب طپان که چنین مانده بر زمین
شاه شهید ناشده مدفون حسین تو است

چون روی در بقیع به زهرا خطاب کرد
وحش زمین و مرغ هوا را کباب کرد

•••

ای مونس شکسته دلان حال ما ببین
ما را غریب و بی کس و بی اشنا ببین
اولاد خویش را که شفیعان محشرند
در ورطه ی عقوبت اهل جفا ببین
در خلد بر حجاب دو کون استین فشان
واندر جهان مصیبت ما بر ملا ببین
نی نی در او چو ابر خروشان به کربلا
طغیان سیل فتنه و موج بلا ببین
تنهای تشنگان همه در خاک و خون نگر
سرهای سروران همه بر نیزه ها ببین
ان سر که بود بر سر دوش نبی مدام
یک نیزه اش ز دوش مخالف جدا ببین
آن تن که بود پرورشش در کنار تو
غلطان به خاک معرکه کربلا ببین

یا بضعه الرسول ز ابن زیاد داد
کو خاک اهل بیت رسالت به باد داد

•••

خاموش محتشم که دل سنگ اب شد
پیمانه صبر و خانه ی طاقت خراب شد
خاموش محتشم که از این حرف سوزناک
مرغ هوا و ماهی دریا کباب شد
خاموش محتشم که از این شعر خونچکان
در دیده اشک مستمعان خون ناب شد
خاموش محتشم که از این نظم گریه خیز
روی زمین به اشک جگر گون کباب شد
خاموش محتشم که فلک بسکه خون گریست
دریا هزار مرتبه گلگون حباب شد
خاموش محتشم که به سوز تو آفتاب
از آه سرد ماتمیان ماهتاب شد
خاموش محتشم که ز ذکر غم حسین
جبرئیل را ز روی پیمبر حجاب شد

تا چرخ سفله بود خطائی چنین نکرد
بر هیچ افریده جفا این چنین نکرد

•••

ای چرغ غافلی که چه بیداد کرده ای
از کین چها درین ستم آباد کرده ای
بر طعنت این بس است که با عترت رسول
بیداد کرد خصم و تو امداد کرده ای
ای زادهٔ زیاد نکرده است هیچگه
نمرود این عمل که تو شداد کرده ای
کام یزید داده ای ازکشتن حسین
بنگر که را بقتل که دلشاد کرده ای
بهر خسی که بار درخت شقاوتست
درباغ دین چه با گل شمشاد کرده ای
با دشمنان دین نتوان کرد آنچه تو
با مصطفی و حیدر و اولاد کرده ای
حلقی که سوده لعل لب خود نبی بر ان
ازرده اش ز خنجر بیداد کرده ای

ترسم ترا دمی که به محشر در آورند
از آتش تو دود به محشر در آورند

سخنی در باب گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر

وحید مژده



صحنه یی از قتل عام در قصبهٔ میلادی در ویتنام جنوبی در سال ۱۹۶۸

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان طی گزارشی. نقض مواردی از حقوق بشر در افغانستان را نشاندهی کرده است که طی بیست و سه سال گذشته کشور ما شاهد آن بود. این گزارش که عنوان "صدای مردم برای تأمین عدالت" برایش برگزیده شده، رسماً به رئیس جمهور کشور نیز تقدیم گردیده است.

موضوع بررسی موارد نقض حقوق بشر پس از صدور اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ میلادی آغاز شد اما این اعلامیه تا سال های بعد نیز در بسیاری از کشور های غربی مجال عملی شدن نیافت. به گونهٔ مثال در امریکا، مواد این اعلامیه تا سال ۱۹۶۲ نیز عملی نشد. تبعیض نژادی در آمریکا امری قبول شده بود و تابلو های "ورود سگ و سیاه پوست ممنوع" روی در بسیاری از رستورانت ها و اماکن عمومی در این کشور به چشم می خورد. تا دورهٔ ریاست جمهوری کنیدی در دههٔ شصت میلادی نیز قوانین تبعیض نژادی در آمریکا حاکم بود. به عنوان نمونه در ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۲ میلادی رأس بارنت فرماندار ایالت میسی سی پی آمریکا به عنوان آخرین اقدام از این دست، شخصاً از ورود دانشجویان سیاه پوست به دانشگاه میسی سی پی جلوگیری کرد. جان کنیدی رئیس جمهور آمریکا ناچار شد تا در ۲۹ سپتامبر برای رفع بحران و حمایت از سیاه پوستانی که می خواستند شامل دانشگاه شوند، نیروی نظامی به میسی سی پی فرستاد. جمیز مردیت اولین دانشجوی سیاه پوست بود که اجازه یافت شامل دانشگاه گردد. ادبیات دورهٔ تبعیض نژادی تاریخ آمریکا مشحون از انتقاد و تبعیض علیه سیاه پوستان است که کلبهٔ عموتم شاهکار خانم هریت بیچراسو یکی از آنهاست.

در آن دوره مسلمانان، آمریکایی ها را به نقض حقوق بشر متهم می کردند و گروه گروه از سیاه پوستان آمریکا به دین اسلام می گرویدند.

اما در مورد جنایتکاران جنگی محاکمهٔ جنایت کاران جنگ جهانی دوم اندکی پس از جنگ در دادگاه نورنبرگ آغاز شد. در این دادگاه بین المللی در ۳۰ سپتامبر ۱۹۴۶ محاکمهٔ ۲۲ تن از رهبران آلمان نازی آغاز شد که یازده تن از آنان به اعدام با طناب دار محکوم شدند. هرمان گورینگ یکی از محکومان ساعتی قبل از اعدام به وسیلهٔ زهر خودکشی کرد و بقیه به دار آویخته شدند.

آدولف آیشمن یکی دیگر از جنایت کاران آلمان نازی در ۱۹۶۱ در آمریکای جنوبی به وسیلهٔ اسرائیلی ها دستگیر وبه اسرائیل انتقال یافت. او به جرم قتل شش میلیون یهودی محاکمه و اعدام شد.

در دوران جنگ سرد، آمریکا و اتحاد شوروی در رقابت ایدئولوژیک با هم از جناح های مختلف درگیر جنگ در مناطق درگیر بحران در آسیا، افریقا و آمریکای لاتین حمایت می کردند. درگیری مستقیم آمریکا در جنگ کوریا و بعداً در جنگ ویتنام، ابعاد گسترده یی از جنایات جنگی را موجب گردید که یک نمونهٔ کوچک آن قتل عام قصبه میلای در ویتنام جنوبی در سال ۱۹۶۸ است.

دراین قتل عام وحشیانه ده ها تن از زنان و پیرمردان و کودکان به قتل رسیدند. دو تن از صاحب منصبان پائین رتبه به نام های ارنست مدینا و ویلیام کالی در این قتل عام مقصر شناخته شدند وبه زندان افتادند در حالی که دستور دهنده های بالارتبه از هر اتهامی معاف شدند.

در رابطه به کشور ما باید گفت که بدون تردید مردم افغانستان در گذشته جنایات هولناکی را شاهد بوده اند که وجدان های بیدار حتی از شنیدن آن احساس شرم می کند. همهٔ ما در این مورد اتفاق نظر داریم تا جنایات گذشته به فراموشی سپرده نشود.

نکته یی در خور اهمیت این است که جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت از جمله جرایمی است که مشمول مرور زمان نیست و مجرمان آن در هر زمان قابل تعقیب و محاکمه اند. اما آنچه که در قدم اول در این گزارش توجه بر انگیز است محدود شدن دوره های نقض حقوق بشر به سه دورهٔ ذیل است:

۱- دورهٔ تجاوز اتحادشوروی و حکومت کمونیست ها از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۱ (۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱میلادی).

۲- دورهٔ حکومت مجاهدین از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ (۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ میلادی)

۳- دورهٔ حکومت طالبان از ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ (۱۹۹۶تا ۲۰۰۱ میلادی)

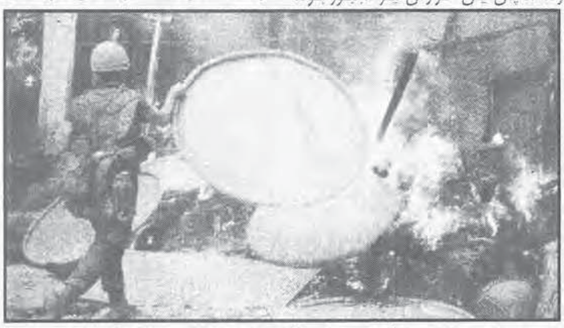
با۴۱۵۱ تن نظر خواهی و مصاحبهٔ رودررو صورت گرفت و سؤالات نیز عمدتاً در مورد همین سه دوره بود.

در این گزارش اشاراتی هم به نقض حقوق بشر در دورهٔ بعد از طالبان یعنی حکومت موقت و انتقالی رفته است اما محور اصلی بررسی نقض حقوق بشر در همان سه دوره است و به جنایاتی که قبل از این دوره ها ملت شاهد آن بوده است، اشاره یی به چشم نمی خورد. در گزارش صدای مردم برای تأمین عدالت، انعکاس فریاد مشروطه خواهانی که در دوران سلطنت بابای ملت یا اعدام شدند و یا در گوشهٔ زندان های سرای موتی و دهمزنگ پوسیدند، انعکاسی ندارد. آیا آنان بشر نبودند؟

شاید استدلال شود که قتل کسانی از خانوادهٔ چرخی، قتل ولی محمد خان دروازی و ضبط دارایی های آنان قتل عام خانوادهٔ عبدالخالق، قاتل نادرخان فقط به خاطر رابطهٔ خویشاوندی با قاتل و صد ها مورد دیگر از جنایات ضد بشری، قبل از تصویب اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر صورت گرفته است. بنابراین آنها مشمول حقوقی نمی شوند که بشر از آن برخوردار است!

در دوران جمهوریت سردار داوود، شخصیت هایی چون محمد هاشم میوندوال یکی از صدراعظمان سابق کشور و بسیاری دیگر در اثر شکنجه در زندان به قتل رسیدند که قاتل نیز مشخص است. چرا در این گزارش اشاره یی به چنین موارد از نقض حقوق بشر نرفته است؟

شاید دلیل آن باشد که همان گونه که اشاره شد، کشورهای دیگر نیز در آن دوره ها دست به جنایات علیه بشریت زده اند پس این گزارش نیز مجبور بوده



یک سرباز امریکائی در حال به آتش کشیدن خانه های قصبهٔ میلادی

است تا بررسی خود را به دورهٔ بیست و سه سال محدود سازد و پای دوره های قبل از آن را به میدان نکشد تا استناد قانونی برای سایر قربانیان در کشور های دیگر علیه کشور های بزرگ فراهم نشود.

ملاحظهٔ دیگر بر این گزارش، بیطرفی و غیرجانبدار بودن دست اندرکاران این کمیسیون است. در نموداری که در صفحهٔ ۱۱ به نشر رسیده در جواب این سؤال که چه زمانی شما از تخطی های حقوق بشر متأثر شده اید؟ هجده درصد از کسانی که مورد پرسش قرار گرفته اند، از چهارسال دوران حکومت مجاهدین به عنوان دوره یی که مورد نقض حقوق بشر قرار گرفته اند نام برده اند در حالی که شانزده درصد از پاسخ دهندگان به دورهٔ تجاوز روس ها به عنوان دوره یی که در آن حقوق شان نقض گردیده است، اشاره کرده اند. فیصدی نقض حقوق بشر در دورهٔ پنج سالهٔ طالبان یازده درصد است.

چگونه ممکن است مردم قتل حدود یک ونیم میلیون افغان، بمباران های اکثر روستا های کشور، و مهاجرت بیش از پنج میلیون نفر به کشور های ایران، پاکستان و آمریکا و اروپا را در طول چهارده سال دورهٔ روس ها و حکومت های دست نشاندهٔ آنان با چهار سال دورهٔ حکومت مجاهدین مقایسه کنند و دورهٔ وحشت و ارعابی را که در آن هزاران نفر دستگیر و بدون محاکمه به بدترین شکل به قتل رسیدند، بهتر از دورهٔ مجاهدان بدانند. برپاشدن گور های دسته جمعی در پولیگون پلچرخی، هرات وبسیاری دیگر از شهرهای افغانستان را به سادگی فراموش کنند؟

اگر فرض را براین بگذاریم که این گزارش کاملا بیطرفانه و به دور از هرنوع جانبداری از گروه یا جناحی خاص ترتیب شده است،اگر بپذیریم که پاسخ دهندگان، وابسته به جناح خاصی نبوده اند و از روی غرض دستچین نشده اند، پس باید مشکل را در شیوهٔ کار جستجو کرد.

در صفحهٔ ۵۸ این گزارش در مورد نحوهٔ انتخاب پاسخ دهندگان و اشتراک کنندگان آمده است: "برای تطبیق نظرخواهی از روش انتخاب تصادفی پاسخ دهندگان استفاده شد. محققین ما هیچ نقشی در انتخاب پاسخ دهندگان و موقعیت مصاحبه نداشتند و با استفاده از روش پیاده روی تصادفی، پاسخ دهندگان را انتخاب می کردند..."

به عبارهٔ دیگر می توان گفت که کار محققان کمیسیون، نمونه گیری آماری از مردم در ولایات مختلف بوده است اما این روش نیز خالی از اشکال نیست. ده ها سال قبل در ایالات متحدهٔ آمریکا و در شرایطی که مدت کوتاهی به انتخابات ریاست جمهوری این کشور باقی بود، یک مؤسسهٔ تحقیقات آماری، با روش معمول نمونه گیری پیش بینی نمود که یکی از دو کاندیدا شانس بیشتر برای پیروز شدن دارد اما انتخابات به پیروزی رقیب انتخاباتی کاندیدای مذکور انجامید.

تحقیقات نشان داد که این پیش بینی نادرست از چند عامل ناشی شد: اول این که نظر خواهی به وسیلهٔ تلفن صورت گرفته بود و در آن زمان تلفن شخصی کاملاً عام نبود و اقشار خاصی از جامعه به این سهولت دسترسی بیشتر داشتند. چون در نمونه گیری آماری از یک اقلیت کوچک در مقایسه با همه نفوس کشور نظرخواهی صورت می گیرد، بنابراین نظری که حتی یک شخص نیز ارائه می کند، می تواند در تغییر فیصدی نقش تعیین کننده داشته باشد.

نکتهٔ دیگر این که نظرخواهی در ساعات روز و شب صورت گرفته بود. در روز هم بیشتر پاسخ دهندگان کسانی بودند که سرکار حاضر نشده بودند یا بیکار بودند و در شب هم افراد شاغل به علت خستگی ناشی از کار روز، به تلفن جواب نداده بودند.

در مورد گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر نیز ممکن است نظرخواهی در اوقات معینی از روز صورت گرفته باشد که گروه های مشخصی از مردم بیرون خانه اند. (مثلا در صبح که محصلان و کارمندان و کارگران به سوی درس یا محل کار روان اند).

نظر مردم از شهر تا روستا فرق می کند و اگر این نمونه گیری منحصر به مراکز شهر ها بوده باشد، یک نمونه گیری کامل نبوده است.

سن وسال نیز در این میان نقش مهم دارد. کسی که بیست و پنج یا سی سال سن دارد، در مورد جنایات دوران کمونیست ها خاطره یی در ذهن ندارد اما رنجی را که در حکومت مجاهدین برده است، در ذهن وی به عنوان تنها خاطرهٔ تلخ از نقض حقوق بشر باقی مانده است.

مسالهٔ دیگر جو و فضای بعد از سقوط طالبان است که در آن با تبلیغات وسیعی سعی شده تا همه به نام تفنگ سالار مورد طعن و لعن قرار گیرند. تأثیر این تبلیغات روی ذهنیت مورد پرسش قرار گرفتگان نیز قابل دقت است.

ادامه دارد

به پیشواز دهم محرم:

عاشورا و جنبش استبداد ستیزی

سید ناصر تقدسی

ماه محرم، سر فصل سال هجری قمری، ماهی بزرگ و با فضیلت است، پیامبر و مسلمانان نخستین دهم این ماه را روزه می گرفتند و باری رسول خدا صلی الله علیه وسلم تمنا کرده بود که اگر در سال آینده زنده بماند به منظور مخالفت با یهود روز نهم و دهم محرم را یکجا روزه خواهد گرفت. ماه محرم و به ویژه عاشورای آن یاد آور بزرگ ترین حادثهٔ جان گداز در تاریخ اسلام و روح بخش هر نهضت وانقلاب آزادی خواهانه و ماه غلبهٔ خون بر شمشیر و ماه شهامت و فدا کاری است.

این ماه بزرگ خاطره های سراپا درس حادثهٔ کربلای حسینی و کربلاهای ملت مجاهد افغانستان و مفاهیم عشق پاکیزه و ایثار و جان بازی های رزمندگان راه خدا را که

کسانی که با بهانه ها و استدلال های بی پایه در صدد تأخیر زمان انتخابات و در پی سنگ اندازی و موانع آفرینی بر سر راه تشکیل پارلمان هستند، از ارادهٔ آزاد مردم می هراسند و حضور نمایندگان واقعی ملت در کنار دولت را مانع رسیدن به اهداف ضد مردمی خویش می دانند

خروج شرمسارانهٔ ارتش سرخ از کشور، یکی از پیامدهای شیرین آن است در اذهان زنده می کند. حضرت امام حسین نوادهٔ عزیز پیامبر در برابر حکومت مستبد و ستمگر قیام می کند و به روز دهم محرم در صحرای سوزان کربلا، از سوی لشکر یزید به شهادت می رسد!! شاید دربارهٔ مبارزهٔ حسین علیه حکومت خود کامهٔ یزید که جامهٔ خلافت بدان پوشانده بود، هرکس چیزی گفته باشد و آن را به نحوی توجیه کرده باشد، اما آنچه در این زمینه به واقعیت نزدیک می باشد این است که هدف اصلی این مبارزه و درگیری سرنگونی استبداد و ظلم و برقراری حکومت صد در صد اسلامی و تأمین عدالت اجتماعی بوده است.

امام حسین می دانست که حکومت یزید از خلافت اسلامی و عدالت اجتماعی فرسنگ ها به دور است و با تداوم این حکومت، استبداد و ظلم و بی عدالتی جای حکومت عدل الهی را می گیرد ومسلمانان تا قرون متمادی قربانی ستم و خود محوری خواهند شد و از همین رو سکوت خودش را می شکند و بر دستگاه حکومت اعتراض می نماید و به مردم می فهماند که در دستگاه یزید نه اسلام بر دولت که دولت بر اسلام حکومت می کند.

شواهد تاریخی نشان دهندهٔ آن است که امام حسین برای جنگ از مدینه بیرون نشده بود، بلکه دستگاه سلطنت او را بین دو کار مخیر کرده بود: یا بیعت و به رسمیت شناختن حکومت، یا شهادت. ولی امام حسین که دانشمند ترین مسلمان عصر خود بود تأیید حکومت استبدادی را لکهٔ ننگ می دانست و آن را با آموزه های متعالی اسلام مخالف می پنداشت، ولذا وظیفهٔ خود را با شهادت خود در برابر امت اسلامی و مکتب حیات بخش الهی ادا نمود. ایشان حکومتی را که به نام دین بر مردم فرمان می راند نفی کردند و چهرهٔ چنین حکومت هایی را برای همیش رسوا نمودند.

پس از عصر پیامبر و خلفای راشدین چنین خدمتی به اسلام و بشریت از هیچ انسانی سرنزده است و این عمل حضرت حسین در واقع حماسه یی بود برای حفظ آزادی و زبان اعتراض شهروندی. چه حکومت های خودکامه، کوچک ترین حقوق شهروندی را رعایت نمی کنند چون ماهیت استبداد چنین جنایات را اقتضا می کند استبداد هیچ یک از اصول بشری را محترم نمی شمارد و به خاطر بقای قدرت خود، دست به هر جنایتی می زند حتی کشتار شریف ترین انسان های وطن و نخبگان یک ملت!!

از همین جاست که در حکومت استبدادی پیشرفت و ترقی وجود ندارد و مردم هر گز به سعادت نمی رسند وتعادل فکری شان را ازکف می دهند و به افراط و تفریط رو می آورند، و گاهی در سایهٔ استبداد، در جامعه خلای فکری به وجود می آید که باعث فرقه گرایی و تعصب می شود، و با حذف عقلانیت جامعه و جای گزین شدن تعصب تمام بنیاد های زندگی انسانی نابود می گردد و خشونت شدت می یابد، چنان که این امر را ما در حکومت طالبان مشاهده کردیم.

امام حسین با توجه به همین امور و بادرک پیامد های تلخ و ناگوار ناشی از استبداد، قیام کرد وبا ریختن خون خود و یاران خود به مسلمانان این درس بزرگ را آموختاند که استبداد و ظلم در هر قالب و رنگی که در جامعه نفوذ می کند و لوکه به ظاهر رنگ دینی داشته باشد، باید در برابر آن مقاومت کرد ور یشه اش را از بن برکشید، و از هر سویی که بر حریم اسلام وعدالت اجتماعی تعرض صورت می گیرد، بایست جلوش گرفته شود. واقعاً اگر قیام و نهضت حسین نبود امروز دیگر حرفی از ظلم ستیزی و استکبار شکنی وجود نداشت، و ما ثمرات ارزشمند این قیام و حرکت عدالت خواهانه را در در ازای تاریخ اسلام دیدیم و در قرن معاصر در کشور خودمان افغانستان نیز شاهد بودیم.

به باور ما قیام وجهاد مردم افغانستان در برابر اشغال ارتش سرخ تا حدود زیادی از مبارزهٔ حسین الهام یافته بود و ملت ما توانست با دست خالی ولی با اراده آهنین و نیروی ایمان حسین گونه طلسم زور و استبداد را بشکند و قشون تا به دندان مسلح شوروی را از کشور بیرون برانند. و مقاومت مردم افغانستان هم در امتداد همین خط

استبداد هیچ یک از اصول بشری را محترم نمی شمارد و به خاطر بقای قدرت خود، دست به هر جنایتی می زند حتی کشتار شریف ترین انسان های وطن و نخبگان یک ملت!!

استقامت یافت و مردمان این سرزمین با فراگیری این درس که "علیه ظلم و استبداد و لو که در قیافهٔ دین هم تبارز کند مبارزه باید کرد" مبارزه کردند. و حتی پس از سقوط طالبان برای برچیدن بساط خودکامگی و بی قانونی به انتخابات علاقه گرفتند با همه شک و تردید هایی که در موردنزاهت و آزادی آن وجود داشت به پای صندوق های رای رفتند.

و حالا که حکومت جدید در نتیجهٔ انتخابات به وجود آمده است رکن اساسی آن (پارلمان) به مثابهٔ یک مرجع نظارتگر و استقامت دهندهٔ حکومت ناتشکیل مانده است و مردم ما بازهم با الهام گیری از حرکت آزادی بخش و استبداد ستیزانهٔ حسین در آرزوی برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه به منظور تشکیل شورای ملی اند، وبا ایجاد منصفانهٔ این شورا – به شرطی که افراد دلسوز، وطن دوست و متعهد در آن راه یابند– جلو بسیاری از خود سری ها، خودکامگی ها، و ناهنجاری ها در داخل دولت گرفته خواهد شد، قانونیت تحکیم خواهد یافت و اصل شفافیت، بازرسی وحسابدهی در نظام دولتی نهادینه خواهد گردید.

و اما کسانی که با بهانه ها و استدلال های بی پایه در صدد تأخیر زمان انتخابات و در پی سنگ اندازی و موانع آفرینی بر سر راه تشکیل پارلمان هستند، از ارادهٔ آزاد مردم می هراسند و حضور نمایندگان واقعی ملت در کنار دولت را مانع رسیدن به اهداف ضد مردمی خویش می دانند و یزیدگونه می خواهند پایه های حاکمیت ظلم و استبداد را از راه زور و نیرنگ نیروبخشند و صدای آزادی و عدالت را در گلوی مردم خفه نمایند. لذا مردم باتوجه به اهمیت ایجاد شورای ملی و با در نظر داشت این که از ناحیهٔ استبداد چه تلخی هایی چشیده اند، از زعامت منتخب کشور می خواهند که به مشوره های تمامیت خواهان و حلقات مستبد مشربی که اطراف او را گرفته اند و با ارائهٔ نظریات ضد ملی مبتنی بر تأخیر انتخابات در واقع زمینه های بحران مشروعیت در دولت را فراهم می کنند، وقعی نگذارد و با کوشش های پیگیر در راه تدویر به موقع انتخابات پارلمانی به خواسته های مردم افغانستان احترام بگذارد و از بحران مشروعیت در داخل حکومت جلوگیری به عمل آورد.

بزرگ ترین انبار اسلحه و مهمات به دست آمد

نیروهای ائتلاف بین المللی در۲۳ دلو اعلام کردند که سی و سه انبار اسلحه ومهمات را کشف و به دست آورده اند. گفته شده است که از این اسلحه و مهمات گروه های تروریستی می توانستند در برهم زدن امنیت استفاده کنند. سخنگوی این نیروها گفته است که این اسلحه و مهمات به ارتش ملی تسلیم داده می شود. این ذخیره گاه در ساحات جنوب، جنوب شرق و غرب افغانستان موقعیت داشته است.

د آیساف د ځواکونو مشري ترکي جنرال ته وسپارل شوه

د بي بي سي راډيو د خبر له مخې په افغانستان کې د ناتو يا آيساف د پوځونو مشري له فرانسوي قوماندان ژان لوبي څخه ترکي جنرال اتيم ايرو دوغي ته وسپارل شوه چې نومور به د شپږو مياشتو لپاره د ايساف د پوځ چې شميره ني اته زره او پنځه سوو ته رسيږي مشر وي. ايرودوغي د قوماندانۍ دسپارلو په مراسمو کې ژمنه وکړه چې د ده د ماموريت په دوران کې به افغانستان د امنيت او ثبات يوه نوې پړاو ته داخل شي. د ترهګريزو پېښو خطر به کم شي او په افغانستان کې به د پارلماني انتخاباتو د امنيت د تسکينو په مقصد خپلې قواوې دهيواد لويديځو ولاياتو ته وځخوي. بلخوا ترکي جنرال ته د آيساف د قواوو د مشري له

ليږدولو سره سم د کابل د هوايي ډګر د امنيت تامين دنده هم د آيسلنډله هيواد څخه ترکيې مکانيزه پلي لوا ته وسپارل شوه. د يادوني ور ده چې د آيساف قواوې د نړۍ له 37 هيواد څخه جوړې شوې چې د کابل د امنيت پر تامينولو سربيره د ملي اردو د روزنې او سوونې. ني وسلې کولو دملي پوليسو د جوړولو. د وسلو راټولولو دنده پرغاره لري.

جعبهٔ سیاه هواپیمای ...

از جریان رویدادها بر می آید که تلاش گروه جستجو گر دریافت جعبهٔ سیاه بوده است تا دریافت قربانیان این سانحه. زیرا در مدت دوازده روز این گروه موفق نگردید بیش از دو جسد قربانیان را دریابد و به خانواده های شان تسلیم دهد.

گمان می رود با دریافت جعبهٔ سیاه داستان غم انگیز سقوط هوا پیمای کام ایر پایان خواهد یافت و دیگر امیدی برای دریافت باقی اجساد قربانیان و بازرسی این حادثهٔ فاجعه آفرین باقی نخواهد بود.

پیام جمعیت اسلامی افغانستان به مناسبت ...

نکته می توان بخوانش گرفت:

– فاصله گرفتن مراکز رهبری از ارزش ها و اشاعهٔ فساد وهتک حرمت نوامیس انسانی.

– عدم پاسخگویی بخواست های مردم و تحمیل اقتدار و ارادهٔ خود بر ارادهٔ جامعه.

– استفاده از امکانات و فرصت های مادی و معنوی جامعه در راستای تحکیم پایه های قدرت شخصی و گروهی.

– اعمال فشار در گونه گون شکل های آن بر نیروهای اصلاح طلب و متعهد به ارزش ها و باور های جامعه.

– انحراف گرایی از مبادی انسان ساز اسلامی در نزدیک ترین دوره به پیامبر صلی الله علیه وسلم وجامعه وحکومت او.

آری! حضرت امام حسین با بر افراشتن این شعار: "من برای اصلاح امت جدم برخاسته ام، می خواهم به نیکی ها فرمان دهم و از بدی ها بازدارم" در برابر جباران خود کامه برخاست و با قیام شکوهبار خود خط روشنی را برای راهیان راه اصلاح و عدالت ترسیم کرد که همه جنبش های اصلاح طلب و درهم کوب فساد، باید در روشنایی آن گام بردارند و ریشه های فساد و استبداد را قطع نمایند.

مردم مسلمان ومجاهد افغانستان که به حق راستین پیروان راه حسین اند با اقتدا به آن امام عاشقان و سرو آزادی بستان دین حق، عاشقانه در برابر امپراتوری جهانخوار انگلیس و شوروی در قرن نوزده و بیست، محبت و دوستی خود را به سردار معرکهٔ کربلا ثبت تاریخ کردند،وبه همه نیروهای زور گوی این درس را دادند که مشت حق بر شمشیر باطل پیروز است.

اکنون که ملت ما درپی ایثار وخود گذری های خود برای آوردن صلح وثبات، مرحله نوی را سپری می کند، از دولتمردان خویش توقع دارند به تعهد خویش در برابر پاسداری از ارزش های اسلامی وفا کنند. وجیبهٔ دولت مردان جمهوری اسلامی افغانستان است که نگذارند به نام این و آن افتخارات جهادی و هویت ملی و دینی این کشور زیر سؤال رفته و زمینه های بحران دیگری در کشور فراهم گردد.

رمز قران از حسین آموختم — زآتش او شعله ها اندوختم
تار ما از زخمه اش لرزان هنوز — تازه از تکبیر او ایمان هنوز
ای صبا ای پیک دور افتادگان
اشک ما بر خاک پاک او رسان

زن، نبوت و رسالت

۲

نوشتهٔ حفظ الرحمن سیوهاروی

ترجمهٔ محمد مصدق فقیری

در مورد رسول شدن زن، هیچ مسأله یی وجود ندارد و علمای اسلام اتفاق نظر دارند که زن نمی تواند رسول باشد ولی موضوع بحث نه رسالت بلکه نبوت است.

پس نخست لازم است معنی نبوت را بدانیم، نبوت از "انباء" گرفته شده است که معنی اطلاع دادن را دارد. لذا نتیجه می گیریم که هر شخصی را که خداوند قبل از وقوع حادثه یی خبر داده باشد و او را دربارهٔ موضوعی مطلع ساخته باشد، در اصطلاح مذهبی نبی گفته می شود. شما در این مقام نمی توانید این گونه تصور کنید که وحی، الهامی است که در سرشت انسان به ودیعت نهاده شده است ـ طوری که به زنبور عسل وحی شده است ـ و معنی وهم و گمان را نیز نمی تواند داشته باشد. همچنین وحی را نمی توان مانند تجربیات علمی و نجومی تصور کرد که خود انسان ها آن ها را آموخته اند و به دیگران یاد داده اند و معنی خواب و رؤیا را هم ندارد. بلکه جدا از این همه معانی، وحی به معنی نبوت، این است که خداوند اموری را به شخصی اطلاع دهد که او درگذشته از آن خبر نداشته باشد و شخص آن را خواب و رؤیا تصور نمی کند وبا قدرت الهی طوری وحی را دریافت می کند که جای هیچ شک و شبهه باقی نمی ماند.

نزول وحی طوری صورت می گیرد که فرشته می آید و به شخص ابلاغ می کند یا خداوند به طور مستقیم با خود شخص صحبت می کند. پس اگر نزد افرادی که منکر نبی شدن زن هستند، چیزی مغایر با این معنی وجود دارد، بیان فرمایند.

و اگر معنی نبوت همان است که ما بیان نمودیم، پس در قرآن کریم جاهایی را جستجو کنند که خداوند به طرف زن ها فرشتگان خود را فرستاد و آن ها را از "وحی حق" مطلع کرد.

چنانچه فرشتگان از جانب خداوند به مادر اسحق علیه السلام - ساره- تولد آن حضرت را بشارت دادند.

(وامرأته قائمه فضحکت فبشرناها باسحاق و من وراٰء اسحاق یعقوب)

در این آیت فرشتگان از جانب خداوند متعال تولد اسحاق علیه السلام وبعد یعقوب علیه السلام را بشارت دادند و پس از تعجب حضرت ساره، فرمود:

(أتعجبین من امرالله)

چطور ممکن است که حضرت ساره نبی نباشد و این طور مورد خطاب خداوند قرار گیرد.

همچنین مشاهده می شود که خداوند فرشتهٔ خود ـ جبرئیل ـ را به سوی حضرت مریم ـ مادر عیسی علیه السلام ـ فرستاد و جبرئیل او را مخاطب گردانیده فرمود:

(وقال انما انا رسول ربک لأهب لک غلاماً زکیا)

پس اگر این وحی حقیقی نیست، چیست؟

وقتی حضرت زکریا به خانهٔ حضرت مریم آمد و رزق عطا شده از جانب خداوند را دید از بارگاه الهی یک فرزند صاحب فضیلت را برای مریم خواست. همین طور در مورد مادر حضرت موسی علیه السلام مشاهده می شود که خداوند بر او وحی نازل فرمود که موسی را در دریا بیفگند و او را به سویش باز خواهیم گرداند.

یک انسان با عقل و شعور می تواند درک کند که اگر این کار مادر موسی ربطی به نبوت نمی داشت ومحض به خاطر دیدن خواب و رؤیا می بود یا به دلیل پیدا شدن وسوسه در دل او می بود، این کار او کاملاً مجنونانه و مقهورانه تلقی می شد.

چه کسی می تواند بگوید که این نبوت نیست؟ یک انسان با عقل و شعور می تواند درک کند که اگر این کار مادر موسی ربطی به نبوت نمی داشت ومحض به خاطر دیدن خواب و رؤیا می بود یا به دلیل پیدا شدن وسوسه در دل او می بود، این کار او کاملاً مجنونانه و مقهورانه تلقی می شد.

پس می توان گفت که انداخته شدن حضرت موسی در دریا توسط مادرش همان طور بنا بر وحی الهی بود که حضرت ابراهیم در خواب بعد از وحی از ذبح کردن اسماعیل ـ فرزندش ـ اطلاع حاصل کرد.

علاوه بر این یک دلیل دیگر در اثبات نبوت حضرت مریم علیها لسلام این است که خداوند در سورهٔ مریم نام او را در کنار دیگر انبیا ذکر نموده است وبعد از آن می فرماید:

(اولئک الذین أنعم الله علیهم من النبیین من ذریه آدم و ممن حملنا مع نوح)

پس مستثنی قرار دادن حضرت مریم در این آیهٔ مبارک کار صحیحی نیست.

حالا در مسألهٔ نبوت حضرت ساره، مریم و ام موسی، خانم فرعون یعنی آسیه را نیز شامل کنید؛ زیرا حضرت محمد صلی الله علیه و سلم می فرماید که:

(کمل من الرجال کثیر و لم یکمل من النساء إلا مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم امرأه فرعون)

بسیاری از مردها کامل بوده اند ولی در زنها فقط آسیه و مریم کامل بودند از این حدیث ثابت می شود که اگرچه بعضی از زن ها به نص قرآن نبی هستند لیکن در بین آن ها فقط این دو به درجهٔ کمال رسیده اند.

فرق میان این درجات را قرآن کریم این طور توضیح می دهد:

(تلک الرسل فضلنا بعضهم علی بعض)

کامل به کسی می گویند که در نوع خود کسی از او بالاتر یا با او همتا نباشد. پس در مردها نیز چند رسول هستند که همسری آنها به دیگر پیامبران عطا نگردیده است که بدون شک محضرت محمد صلی الله علیه وسلم و ابراهیم خلیل الله جزء این افراد هستند که در نصوص (قرآن وحدیث) ازفضایل کمال آن ها یادشده است.

همین طور در زن ها نیز این درجهٔ کمال وجود دارد که حضرت محمد صلی الله علیه و سلم در این حدیث بیان نمودند.

صدای مظلومانهٔ شهریان ...

در شب سوم حوت در منطقهٔ دهمزنگ کابل سکونت داشتم، دراین شب مردم دور و نزدیک محل ما بربام های منازل خویش بلند شده بودند و صدای الله اکبر چنان فضا را در خود پیچیده بود که گویی حادثه یی در حال شگفتن است. خوب به یاد دارم که مردم دهمزنگ که در نزدیکی تولی سوار سکونت داشتند، شبانه با فلاخن به سوی سربازان و افسران این قرارگاه حواله می کردند و چندین نفر در داخل این قرارگاه زخمی شده بود.

شب با دلهره و نگرانی سپری شد، هیچکس یارای آن را نداشت که از روزن خانه به بیرون نظاره کند، تا مبادا کسی از طرفداران حکومت دست نشانده آنها را نشانی کند. سوم حوت دسته های خشم آلود و بیباک، دهلیز تنگ دهمزنگ کابل را به سوی شهر نشانه گرفته بودند. مردم از وسایل نقلیهٔ خویش پایین می گردیدند و یا مجبور به پایین شدن می شدند تا در کاروان آنها شهر را به محاصره بکشند. بعضی از این جوانان خشم آلود، با خود کارد و چاقو حمل می کردند وکسانی که از کاروان سرپیچی می نمودند با این وسیله آنها را وا دار به همراهی می کردند.

در این گردهمایی خشم آگین شعار می دادند "افغانستان برای افغانستان، شوروی ها کشور را ترک دهید، ببرک کارمل مزدور شوروی و شاه شجاع دوم است" این شعارها هر بار تکرار می شد. کسانی که به نحوی از انحا با حزب دموکراتیک و سازمان های اولیه ارتباط داشتند، آن شب و روز را به سختی سپری می کردند. فردا در کوچه های دهمزنگ دیده می شد که اعضای حزب از خوف تلاشی خانه های آنها، تمام اسناد و تصاویر رهبران خود را حتی در تشناب ها و در زیر زمین مخفی نموده بودند، تا مبادا سندی به دست این مردمان خشم آلود بیفتد. مردم به سوی مسجد پل خشتی و کتاب فروشی بیهقی با سردادن شعارها به پیش می رفتند. کتاب فروشی بیهقی که در کنار وزارت اطلاعات و فرهنگ قرار داشت، مملو از کتب مارکسیسم ـ لنینیسم بود و این کتاب فروشی را به نام کتاب فروشی آثار شرقی مسوب ساخته بودند. اعضای سازمان های اولیه مجبور بودند تا این کتابها را بخوانند و همچنان از سوی جز فهمان شان این کتاب ها به آنها در سازمان های اولیه تدریس می گردید. تظاهر کنندگان این کتاب فروشی را به آتش کشیدند و آثار شرقی! به

کسانی که به نحوی از انحا با حزب دموکراتیک و سازمان های اولیه ارتباط داشتند، آن شب و روز را به سختی سپری می کردند.

خاکستر تبدیل گردید.

دراین وقت افراد سازمان های اولیه که تازه مسلح گردیده بودند، مردم را به مرمی بستند، در دیوارهای دکاکین نزدیک مسجد پلخشتی، مردم با خون خود نوشته بودند که مرگ به شوروی و مرگ به ببرک کارمل، این شعارها را همه کسانی که در آن روزها از کنار این جاده تردد می کردند، می خواندند، اولین کاری که رژیم مزدور انجام می داد پاک کردن سنگ فرشها از خون مردم و این شعارها بود؛ زیرا تعدادی از مردم در نزدیکی وزارت اطلاعات و فرهنگ به قتل رسیده بودند وجاده ها از خون آنها گلگون گردیده بود.

افراد استخبارات خواستند با پاک کردن این سنگ فرشها، حجم این تراژدی را کوچک جلوه دهند، تاهنوز هیچکس افشا نکرده است که در این نبرد مقدس به چه تعداد شهید و زخمی گردیده اند. در این روزها به محصلان سازمان اولیهٔ دانشگاه کابل سلاح توزیع می گردید، تا جلو مظاهرات را با تمام خشونت بگیرند. در این مظاهرات دختران دانشگاه نیز شرکت ورزیده بودند که از جمله ناهید محصل فاکولتهٔ انجنیری به وسیلهٔ مرمی افراد مسلح به شهادت رسید. این قیام و مظاهرهٔ شهریان کابل، از یک طرف برای مردم آگاهی بخشید، از سوی دیگر نقاط ضعفی هم در خود داشت. بنیاد و اساس این حرکت بر اساس عواطف استوار بود، دسته ها و افرادی که این تظاهرات را رهبری می کردند، از جانب دستگاه استخبارات و سازمان های اولیه شناسایی و به زندان ها تحویل داده شدند که عده یی از آن ها سال ها در حبس باقی ماندند و تعدادی به شهادت رسیدند. میزان تعقیب و کنترل در شهر افزایش یافت، سازمان های اولیه همه روزه مسلح می گردیدند. خاد (استخبارات) از قدرت بی حد وحصر برخوردار گردید وهمه روزه این دستگاه

به تعقیب سوم حوت ۳۵۸ افراد حزب دموکراتیک خانواده های مظنون را روزها و ماه ها تحت کنترل قرار می دادند تلاش صورت می گرفت تا با نیرنگ های گونه گون بتوانند از خانواده ها سرباز گیری نمایند

جهنمی قوی تر می گردید و مردم را در محاصرهٔ خود قرار داده بود. هر روز یک نفحه نواخته می شد. اگر شوروی بزرگ نمی بود، افغانستان آزاد و مستقل وجود نمی داشت، دوستی با اتحاد شوروی وظیفهٔ ماست، قوت های شوروی عامل نجات است وغیره. براساس این طرز تفکر، درتمام وزارت خانه ها، در مکاتب، پوهنتون ها یک اتاق به نام، اتاق دوستی افغان- شوروی ایجاد گردید. در این اتاق ها تصاویر رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی وقت و رهبران حزب دموکراتیک افغانستان وجود داشت. بدون اجازهٔ سازمان اولیه و موافقهٔ آن و تایید مشاوران شوروی هیچ کس در پست های دولتی تعیین شده نمی توانست. مقرری در دانشگاه کابل بسیار پیچیده و مشکل بود، بسیار کوشش می گردید تا اعضای حزب به دانشگاه راه یابند. طوری که بعد از شش جدی ۵۸ به خاطر توازن بین خلق و پرچم یک تعداد از اعضای ارشد گروه پرچم به دانشگاه راه یافت. به تعقیب سوم حوت ۳۵۸ افراد حزب دموکراتیک خانواده های مظنون را روزها و ماه ها تحت کنترل قرار می دادند تلاش صورت می گرفت تا با نیرنگ های گونه گون بتوانند از خانواده ها سرباز گیری نمایند یعنی یکی از افراد خانواده را یا به حزب و یا به استخبارات جذب نمایند. شهر کابل به جهنم تبدیل گردیده بود، گفته می شد که درمیان بعضی امامان مساجد حزب نفوذ کرده بود، طوری که امام مسجد عقب گدام های دهمزنگ را مردم به جرم همکاری به استخبارات از مسجد اخراج نمودند.

شاد باد روح قربانیان سوم حوت!

هفته نامۀ

مجاهد

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققا انان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قران کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیشـــه هـــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال سوم شمارۀ ۴۳ چهارشنبه ۲۸ دلو ۱۳۸۳ ۷ محرم الحرام ۱۴۲۶ - 16 February 2005

رفیق حریری نخست وزیرپیشین لبنان کشته شد

رفیق حریری، صدراعظم پیشین لبنان در اثر یک انفجار بزرگ در بیروت پایتخت لبنان با نه تن دیگر کشته شد.

آقای حریری در حال بازگشت از پارلمان بود که موتر وی در نزدیکی ساحل غربی بیروت مورد حمله قرار گرفت و به قتل رسید دراین حادثه تعدادی از محافظان وی نیز کشته شده و صد تن دیگر زخمی شده اند .

تلویزیون الجزیره یک نوار ویدویی را پخش کرده است که در آن گروهی



ناشناخته به نام پیروزی و جهاد در سوریه مسؤولیت این سوء قصد را به دوش گرفته است.این گروه می گوید انفجار ناشی از یک عمل انتحاری بوده است . برخی گروه های قومی – مذهبی لبنان سوریه را متهم به ترور حریری کرده اند . بشار الاسد رئیس جمهوری سوریه این بمب گذاری را به عنوان یک عمل جنایت کارانه محکوم کرده و گفته است که سوریه در این ترور هیچ گونه دخالتی نداشته است .

گروه های فلسطینی آتش بس را رعایت می کنند

محمود عباس رئیس تشکیلات خود گردان فلسطینی طی گفتگو با تنی چند از رهبران جهاد اسلامی وحماس آنان را متقاعد کرد که آتش بس با اسرائیل را دست کم تا مدتی رعایت کنند.

محمود زهار یکی از رهبران جنبش حماس در پی گفتگو با محمود عباس که در جای مخفی در باریکۀ غزه صورت گرفت اعلام کرد که این جنبش به بررسی آتش بس دائمی با اسرائیل خواهد پرداخت و مادامی که بررسی ادامه دارد از حمله به اسرائیلی ها خودداری خواهد ورزید.

وی همچنین تعهد کرد که جنبش حماس پیش از هرگونه حمله به اسرائیلی ها محمود عباس را در جریان قرار خواهد داد. رهبران سازمان جهاد اسلامی فلسطینی نیز پس از مذاکره با محمود عباس اعلام کردند که آتش بس را به صورت غیر رسمی رعایت خواهند کرد. محمود عباس رهبر ادارۀ خود گردان فلسطینی طی یک نشست چهار جانبه در شرم الشیخ با صدر اعظم اسرائیل موافقتنامۀ آتش بس را امضا کردند که دو روز بعد از امضای قرارداد آتش بس و در پی کشته شدن یک فلسطینی توسط قوای اسرائیل، حرکت حماس ده ها موشک به مناطق یهودی نشین در نوار غزه پرتاب کرد که تلفاتی در پی نداشت. به روز دو شنبه گذشته پارلمان



اسرائیل تصویب کرد که به نشانۀ حسن نظر وحمایت از آتش بس پنجصد فلسطینی از بند رها شوند. تقریباً هشت هزار و پنجصد فلسطینی در زندان های اسرائیل به سر می برند.

آتش سوزی در مسجد ارک تهران ۶۰ کشته برجای گذاشت

مسجد ارگ ، یکی از بزرگترین مساجد تهران ، روز دوشنبه ۲۶ دلو سال جاری آتش گرفت که در این آتش سوزی دست کم شصت نفر جان خود را از دست داد و بیش از ۲۰۰ نفر مجروح گردید. شاهدان عینی می گویند که حریق دراین مسجد زمانی رخ داد که شیعیان به عزاداری برای سومین امام خود می پرداختند.

پلیس می گوید: چراغ تفتی یکی از شرکت کنندگان در مراسم عزاداری، موجب آتش سوزی شده است. و اکثر کشته شدگان این حادثه را زنان تشکیل می دهند. گزارش شده است که تنگ بودن در خروجی مسجد مانع تخلیۀ سریع محل شده و تعدادی از حاضران هم در همین ازدحام زیر دست و پا مانده ، کشته و یا مجروح شده اند.

این مسجد جزوبناهای تاریخی تهران محسوب می گردد که در دورۀ نخستین پادشاه سلسلۀ پهلوی ساخته شده است . هنوز از میزان خسارات وارده به این ساختمان گزارشی در دست نیست .

عاملان سوء قصد بر جان دوستم شناسایی شدند

منابع امنیتی دولت به تاریخ ۲۱ دلو اعلام کردند که عاملان حملۀ انتحاری بر جان دوستم را شناسایی کرده اند. یک تن انان افغان و دیگری عرب بوده است. گفته شده است که هر دو حین حمله از بین رفته اند. حمله کنندگان نور الدین شهروند افغانستان و قطب الدین عرب تبار بوده است وایشان از طریق پاکستان داخل افغانستان گردیده بودند.

این حمله روز اول عید سعید اضحی پس از ادای نماز عید صورت گرفت که یک کشته و ۲۰ مجروح بر جا گذاشت.

اقامت مهاجرین در ایران تمدید گردید

مدت اقامت مهاجرین افغان در ایران الی اخیر ماه سرطان ۱۳۸۴ تمدید گردید. تفاهم نامه این تمدید به تاریخ ۶ دلو توسط آقای حامد کرزی هنگام سفرش به ایران و سید محمد خاتمی به امضا رسید.

مهاجرین افغان براساس این تفاهم نامه بدون هراس از برگشت اجباری تا اخیر سال ۱۳۸۴ در ایران زندگی خواهند کرد.

طی سال های جهاد بیشتر از دو میلیون افغان به کشور ایران مهاجرت کرده است. به گفتۀ یک منبع وزارت عودت مهاجرین از زمان سقوط طالبان تا کنون بیشتر از یک میلیون و سه صد هزار مهاجر به وطن برگشته است.

زلمی خلیل زاد:

مذاکره با حکمتیار و حذف نام وی از لست سیاه شایعه است

خلیلزاد سفیر و نمایندۀ خاص رئیس جمهور آمریکا در افغانستان در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت:

به زودی خبرهای خوشی دربارۀ طالبان خواهید شنید. نامبرده در ادامۀ کنفرانس مطبوعاتی خویش که به روز دو شنبه در سفارت آمریکا درکابل دایر گردیده بود، خاطر نشان ساخت که تعدادی از طالبان از جنگ و خون ریزی دست کشیده و به دولت خواهند پیوست. او به گونۀ مشخص نگفت با کدام افراد بلند پایۀ طالبان مذاکرده دارد اما از نتایج مذاکرات با گروپ های مختلف طالبان اظهار خرسندی کرد.

خلیلزاد در رابطه به مذاکره با گلبدین حکمتیار و حذف نام وی از لست سیاه امریکا گفت این شایعات است و آمریکا با وی هیچ نوع ارتباطی بر قرار نکرده و نام وی در لست افراد متهم به اعمال تروریستی قرار دارد.

قابل یاد آوری است که قبل بر این نشریۀ ایشیا تایمز از مذاکرات مخفی به میانجیگری پسر ارشد حکمتیار بین طرفین خبر داده بود. نشریۀ مذکور همچنان از قول منابع استخباراتی پاکستان گزارش داده بود که امریکا نام حکمتیار را از لست افراد متهم به اعمال تروریستی حذف کرده است.

خلیلزاد در رابطه به سم پاشی مزارع کشت خشخاش گفت که ما هیچ اقدامی را بدون موافقت حکومت کابل در رابطه به محو کشت خشخاش انجام نخواهم داد. وی اضافه کرد: تا هنوز تصمیم نهایی گرفته نشده است که چه نوع هلیکوپتر ها در اختیار وزارت امور داخله قرار داده شود تا در انتقال پلیس و اردوی ملی به محل کشت خشخاش یا فابریکه های تولید هیروبین.از آنها استفاده شود.

سرمای شدید قربانی ...

داخلی خانه و کاشانۀ شان را از دست داده اند.

در ولایات کشور رقم قربانیان سرمای شدید بیشتر و تکان دهنده تر است.

در ۲۲ ولایت کشور سرمای شدید و باریدن برف خسارات بزرگ انسانی، اقتصادی و اجتماعی را بار آورده است. راه های مواصلاتی ۹۸ ولسوالی و برخی از شاهراه ها کاملاً مسدود گشته است.. در اثر برف کوچ در مسیر شاهراه سالنگ ۶ تن از مسافران جان خود را از دست داد. وبا فرو ریختن سنگ از کوه در مسیر شاهراه کابل ـ جلال آباد یک تن کشته و سه تن شهروند خارجی مجروح شد.

در ۲۶ دلو به اثر سردی هوا و باریدن برف در ولایت پکتیا مقامات دولتی حالت فوق العاده اعلام کردند تا به خاطر جلوگیری از آن اقداماتی مؤثر نمایند.

گزارش های اخیر از ولایت بدخشان خاکی از آن است که در اثر ریزش برف و سرمای شدید ۳۵ تن جان باخته است. که بیست تن آنان کودک اند براساس گزارش های داده شده در ساحات کوهستانی دراج، پای مزار و چتینو چهار صد خانواده به علت وقوع برف کوچ در معرض خطر جدی قرار دارند.

به اساس اطلاعات رسیده در منطقۀ جرعلی ولایت پنجشیر در اثر فرو ریختن برف سیزده تن جان خویش را از دست داده و ۱۴ تن دیگر مجروح شده است. شب ۲۶ دلو در ولسوالی جانی خیل ولایت پکتیا ۲۳ تن هلاک گشته است.

در ولایت نیمروز یکصد منزل تخریب و ۲۰ تن جان باخته است. از اثر باریدن باران و سرازیر شدن سیلاب در شرق کشور، ۲۰ منزل در ساحۀ شهرزاد ولایت ننگرهار تخریب گردیده و تلفات انسانی نیز در پی داشته است.

در این حالت که صدها هموطن ما در مرکز و ولایات کشور از سرمای شدید و باریدن برف جان باخته اند و جان هزاران نفر دیگر در معرض خطر قرار دارد دولت بازهم به یک کمیسیون وظیفه داد تا تدابیر جدی اتخاذ نماید.

ولی این تدابیر به علت این که راه های مواصلاتی ولایات مسدود می باشد عملی نمی گردد سانحۀ هوایی اخیر در کابل و بی تفاوتی دولت به خاطر دریافت اجساد قربانیان این سانحه مثال برجسته و تاثر بر انگیز برای هر شهروند ما می باشد، کار این کمیسیون باز هم با ارائۀ چند گزارش و دریافت منابع پولی پایان خواهد یافت وهرگز تدابیری برای نجات هزاران مصیبت دیدۀ این سرزمین اتخاذ نخواهد شد.

